

گروهی با تکیه بر قدرت، شهرت یا تخصصشان به خود اجازه می دهند برنامه ها و ایده هایی برای کنترل بدن فرودستان مطرح کنند. این ایده ها بی هیچ نسبتی با زندگی فرودستان مطرح می شوند.

به بهانه فکر بکر بزرگمهر حسین پور و همسرش؛



عماد برقی\*

«افکار عمومی» در میانه سردترین روزهای تهران از طریق صفحه موبایل و کامپیوترش دید که کارتن خواب ها در سرمای نزدیک به صفر درجه و بارندگی تهران، شب ها را دقیقاً چطور می گذرانند. انگار پیش از انتشار گزارش و عکس های گورستان نصیرآباد هیچ کس فکرش را هم نکرده بود که بیش از ۱۵ هزار کارتن خواب تهرانی چطور زندگی می کنند.

قلب های مهربان

افکار عمومی البته پیش از این هم با نام کارتن خواب ها مواجه شده بود. حتی مدت ها برای حل مشکلیشان تلاش کرده بود. دو سال پیش روی دیوار مهربانی برایشان لباس می گذاشت، بعدتر در بخچال مهربانی غذا. باقیمانده غذای مهمانی و عروسی اش را برای خیریه ها می فرستاد. حتی از اوایل امسال تصمیم گرفته بود وقتی (خدای ناکرده) با کارتن خوابی برخورد کرد، با تماس با ۱۳۷ او را به گرمخانه های شهرداری بفرستد.

تصاویر گورستان نصیرآباد اما ناگهان جزئیات بیشتری در مورد کارتن خواب ها در برابر افکار عمومی قرار داد. افکار عمومی بالاخره با این واقعیت مواجه شد که کارتن مورد نظر در نام کارتن خواب در واقع «گور» است.

چنین مواجهه سهمگینی باعث شد افکار عمومی به راه های جدی تری برای حل معضل کارتن خوابی فکر کند. مطابق معمول برخی یادآوری کردند که «پول های مملکت به جای فلسطین و لبنان و افغانی ها باید خرج این ها شود.» برخی هم از دولت خواستند به وضعیت این پنجاه نفر در گورستان نصیرآباد رسیدگی کند. خیریه ها هم البته برنامه هایی فوری برای کمک به این افراد تدارک دیدند. هرچند که دادستانی، بهزیستی و شهرداری شهریار با کمک پلیس پیش دستانه این افراد را «ساماندهی»، «غربالگری» و البته بازجویی کردند.

در این میان اما کسانی فکری اصولی تری برای این مشکل داشتند. ایده عقیم سازی کارتن خواب ها باز هم مطرح شد. این بار اما پیشنهاد دهندگان مقام های رسمی نبودند. پیشنهاد هم در لافاه و با برجسب «اختیاری» مطرح نشد. سیما حق شناس در صفحه اینستاگرامش و زیر تصویری از گور خواب ها از ایده عقیم سازی اجباری کارتن خواب ها دفاع کرد. پس از آن همسرش بزرگمهر حسین پور نیز زیر تصویر مشابهی در اینستاگرام بر این «فکر بکر» صحنه گذاشت و پیشنهاد کرد به این «ژن های ضعیف» «فرمان ایست» داده شود.

تصویرگر جوادها، عقیم گر ژن های ضعیف

بزرگمهر حسین پور را بیشتر ما از سال های دهه هشتاد می شناسیم. هنگامی که کاریکاتوهایش در روزنامه های اصلاح طلب منتشر می شد. آنچه که بیش از هر چیز او را مشهور کرد کمیک استریپ هایش در مجله چلچراغ بود.

کمیک استریپ های حسین پور علاوه بر چهره های تیبیکال بچه تهرانی های دهه هشتاد تهران با موهای بلند، قیافه های عجیب و غریب، لب های پروتز کرده و موهای از روسری بیرون یک کاراکتر ثابت دیگر هم داشت. کاراکتری با پشت موهای بلند، شلوار پارچه ای گنشاد، پیراهن گلدار و گاهی با موتورسیکلت؛ جواد!

کاراکتر جواد در کمیک استریپ ها عموماً غیر مد روز، بد دهن، هیز و مزاحم بود. شیوه لباس پوشیدن جواد همان بود که در خزیارتی ها و تجمع خرها مایه نشاط جوانان طبقه متوسط و بالا را فراهم می آورد. همان ها که پیش از این نیز به کمیک استریپ های حسین پور در چلچراغ می خندیدند.

بزرگمهر حسین پور در این فاصله مشهورتر شده است. چندین نمایشگاه در گالری های مختلف برگزار کرد و صدها سلفی با آثارش در شبکه های اجتماعی منتشر شده است. او حالا یک سلبریتی تمام عیار است. با ۲۰۵ هزار فالوئر در اینستاگرام و هزاران لایک پای هر پستش. همان پست هایی که در آخرینش به جای تصمیمات سطحی و بدون دانش، فرمان به عقیم سازی کارتن خواب ها می دهد. جوادها به گورستان می روند

در سال هایی که بزرگمهر حسین پور از کاریکاتورست یک مجله تبدیل به یک سلبریتی می شد اتفاقات دیگری نیز در شهر رخ داد.

جوادهای کمیک استریپ های حسین پور آن موقعها احتمالاً ساکن جایی حوالی جنوب تهران بودند. شاید حتی نامشان را از محله «جوادیه» تهران گرفته باشند. ساکنان مناطق فقیرنشین تهران طی این دهه فقیرتر شدند. قیمت مسکن چندین برابر شد. در فرایند خصوصی سازی برخی از خدمات عمومی از دسترس فقرا خارج شد. جوادها پیش از پیش به حاشیه تهران رانده شدند. در این شرایط اعتیاد و یا حتی کمی بدشانسی می توانست آن ها را روانه گوشه پارک ها و خیابان ها کند. زمستان ها هم از پس آتش زدن آلودگی هایشان، دستگیری و کتک و توهین زیر نام طرح های ساماندهی به گورها پناه می برند.

همزمان با به گور رفتن جوادها، گروه دیگری در این سالها سر بر آوردند؛ بچه پولدارهای تهران. همان ها که سوار بر ماشین های چند صد میلیونی در شهر می چرخند و در خانه ها و ویلاهای چند میلیاردی خز پارتی برگزار می کنند.

در این میان وضع میانه حالها تغییر چندانی نکرد. آن ها کماکان مثل گذشته به جای جوادها سعی می کنند خودشان را به بچه پولدارها نزدیک کنند. آن ها از همان برج عاجی که بچه پولدارها به دیگران می نگریستند به باقی ساکنان این جامعه نگاه کردند.

fb\_img\_1483021596479

با اسکان در این برج عاج است که می توان در خیره ها مهربان و بخشنده بود. دیگری قابل ترحم است پس ما هم ترحم می کنیم. کارتن خواب، جای گرمخانه و یا شماره ۱۳۷ را بلد نیست؛ ما به جایش تماس می گیریم. کارتن خواب با ناآگاهی، سنگینی تحمل ناپذیر هستی را به کودکی منتقل می کند؛ عقیمش می کنیم.

مساله ایده هایی مانند عقیم سازی کارتن خواب ها نه کارا بودن آن ها و نه نیت مطرح کنندگان آن هاست. مساله این است که گروهی با تکیه بر قدرت، شهرت یا تخصصشان به خود اجازه می دهند برنامه ها و ایده هایی برای کنترل بدن فرودستان مطرح کنند. این ایده ها بی هیچ نسبتی با زندگی فرودستان مطرح می شوند. انتخاب، حقوق انسانی و زیست واقعی آن ها هیچ نقشی در چنین پرونده هایی ندارد. هدف آن ها نه زندگی بهتر برای فرودستان که خلاص کردن جامعه از شر آن هاست.

حسین پور از فراز برج ۲۰۵ هزار فالوئری اش و با تکیه بر لایک چندین هزار نفر است که می تواند حکم عقیم سازی کارتن خواب ها را صادر کند. تنها از همان نقطه است که می توان بی اشاره به انسان بودن کارتن خواب ها برای بدن و سرنوشتشان تصمیم گرفت.

حقوق شناس و حسین پور تنها کسانی نبودند که از عقیم کردن کارتن خواب ها سخن گفتند. پیش از این نیز بسیاری از همان برج عاج حکم های مشابهی صادر کرده بودند. حرفشان هرچند هولناک، اما این روزها کم مانند نیست. این ایده ها نه تنها در میان برخی «نخبگان» که پیش از این در تصمیمات سیاسی نیز وجود داشته اند. طرح عقیم سازی زنان کارتن خواب پیش از این توسط مسئولان دولتی مطرح شده بود. در «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» نیز بر تقویت زن نخبگی در جامعه تاکید شده بود.

خیرخواهی طبقاتی چه در شکل صدقه انداختن ثروتمندان جلوی فقیران و چه در شکل برنامه هایی مانند عقیم سازی کارتن خواب ها، پروژه ای ایدئولوژیک است. پروژه ای که نه تنها الگوی بالا به پایین در رابطه طبقات فرادست و فرودست را تثبیت می کند، که با روکش مهربانی خود این رابطه سرکوبگرانه و وضعیت مولد آن را می پوشاند. وضعیتی که شکاف طبقاتی در آن روز به روز تشدید می شود. وضعیتی که در آن طبقات فرودست سرکوب و به حاشیه رانده می شوند.

در چنین وضعیتی باید مراقب باشیم. مراقب وضعیتی که در آن همدستان وضع موجود روز به روز بیشتر می شوند. هر روز نفرت بیشتری از «دیگری» می سازند یا به نام ترحم و دلسوزی بیش از پیش فرودستان را بی قدرت می کنند. باید مراقب باشیم هم دست آن ها نشویم.

باید مواظب باشم

روح پیشوا از مرزها بی گذرنامه می گذرد

و در بعضی از همین همسایه های صمیمی حلول می کند

همین ها که دیوار به دیوار ما پیر می شوند

باید خیلی مواظب باشم

علیشاه مولوی

\* منبع/ میدان  
عکس از علی خارا/ خبرگزاری فارس

برچسب ها: [آسیب های اجتماعی](#) [1]

---